

تحلیل مبانی تفسیری در تفسیر کشف الحقایق شهید

میرمحمد کریم بادکوبه‌ای

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عارف حمداللهی^۱

نویسنده مسئول: زامق بندی او^۲

چکیده

تفسیر کشف الحقایق شهید میرمحمد کریم بادکوبه‌ای، یکی از آثار برجسته در حوزه تفسیر قرآن است که مبانی تفسیری آن، از جمله وحیانی بودن قرآن، عدم تحریف، جامعیت، قابل فهم بودن و ساختار چندمعنایی، مورد توجه محققان قرار گرفته است. این پژوهش با هدف تحلیل و بررسی این مبانی و تأثیر آن‌ها بر روش تفسیر، به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که شهید میرمحمد کریم، با تأکید بر وحیانی بودن الفاظ قرآن، بر اصالت و جامعیت آن در ارائه راهنمایی‌های دینی و دنیوی اصرار داشته و قابل فهم بودن آن را برای تمامی اقشار جامعه ضروری دانسته است. همچنین دیدگاه وی درباره عدم تحریف قرآن، تفسیر ساختار چندمعنایی آیات و جامعیت آن، نمایانگر نگاه عمیق و کاربردی او به این کتاب مقدس است. این مقاله تلاش دارد تا با استناد به آیات و تحلیل مبانی تفسیری ارائه شده در کشف الحقایق، درک بهتری از روش‌شناسی تفسیری این اثر ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر کشف الحقایق، مبانی تفسیری، شهید میرمحمد کریم بادکوبه‌ای،

عدم تحریف قرآن، جامعیت قرآن.

^۱ . استاد مدعو جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه نمایندگی خراسان

^۲ . دانش پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه نمایندگی

تفسیر قرآن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم اسلامی، نقشی اساسی در تبیین معارف دینی و هدایت انسان‌ها ایفا می‌کند. در این میان، شناخت مبانی تفسیری آثار برجسته، همچون تفسیر کشف الحقایق شهید میرمحمدکریم بادکوبه‌ای، می‌تواند افق‌های جدیدی در پژوهش‌های تفسیری بگشاید. این اثر، به دلیل تأکید بر اصالت و حیانی قرآن، جامعیت و قابل فهم بودن آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ اما بررسی دقیق مبانی تفسیری این اثر و تأثیر آن بر روش تفسیر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

شناخت دقیق مبانی تفسیری در آثار تفسیری برجسته، مانند کشف الحقایق، نه تنها به فهم بهتر قرآن کمک می‌کند، بلکه در رفع ابهامات موجود در برخی موضوعات تفسیری نیز مؤثر است. این پژوهش، با هدف تحلیل این مبانی و بازنمایی دیدگاه‌های شهید میرمحمدکریم بادکوبه‌ای در این حوزه، به غنی‌سازی مطالعات قرآنی کمک می‌کند.

تاکنون مطالعات متعددی درباره مبانی تفسیری در آثار مختلف صورت گرفته است؛ اما پژوهش‌های اختصاصی درباره تفسیر کشف الحقایق و تحلیل دقیق مبانی تفسیری آن محدود است. مقاله «مفسران دوره اخیر آذربایجان»، تألیف استاد دانشگاه دولتی باکو، میرنیاز مرسل‌اف، در مجله دانشکده الهیات دانشگاه دولتی باکو در سال ۲۰۱۴ میلادی به چاپ رسیده است. این مقاله، به صورت مختصر، تفسیر و مفسران قرن بیستم میلادی را معرفی کرده و چند صفحه از آن را به معرفی شهید میرمحمدکریم بادکوبه‌ای و تفسیر ایشان اختصاص داده است. مقاله دیگری با نام «حیات علمی - اجتماعی میرمحمدکریم باکوی و تفسیر کشف الحقایق ایشان»، تألیف دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی العالمیه، نجات یحیی‌زاده، در سال ۲۰۲۰ میلادی در مجله متافیزیک مرکز بین‌المللی متافیزیک به چاپ رسیده است. این مقاله نیز در حد معرفی مؤلف و تفسیر ایشان نگاشته شده است.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. ابتدا مبانی تفسیری مطرح‌شده در کشف الحقایق شناسایی و دسته‌بندی شده و سپس با استفاده از شواهد قرآنی و تحلیل محتوای متن تفسیر، دیدگاه‌های شهید میرمحمدکریم بادکوبه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این پژوهش، تحلیل مبانی تفسیری کشف الحقایق و ارائه تصویری جامع از مبانی شهید میرمحمدکریم بادکوبه‌ای در حوزه تفسیر قرآن است. این بررسی می‌تواند به پژوهشگران و علاقه‌مندان مطالعات قرآنی در شناخت بهتر روش‌شناسی تفسیری این اثر کمک کند.

۱. معرفی شهید بادکوبه‌ای و تفسیر کشف الحقایق عن نکت الآيات و الدقائق

شهید میر محمد کریم باکوی، یکی از شخصیت‌های برجسته مذهبی و اجتماعی کشور آذربایجان بود که با تکیه بر علم، روشنگری و فعالیت‌های اجتماعی، نقشی مهم در ارتقای سطح آگاهی و آموزش مردم منطقه ایفا کرد. آثار او، به‌ویژه تفسیر کشف الحقایق عن نکت الآيات و الدقائق، میراث ارزشمندی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تفسیر قرآن و مطالعات دینی است.

شهید میر محمد کریم در سال ۱۸۵۸ میلادی در شهر باکو، منطقه ایچری‌شهر، متولد شد. پدر ایشان، میرجعفر، با مشاهده استعداد فرزندش، او را در سال ۱۸۷۱ میلادی به حوزه علمیه بغداد فرستاد. وی طی ده سال در بغداد، علوم اسلامی، مانند ادبیات عرب، فقه، حدیث و تاریخ اسلام را فرا گرفت. پس از اتمام تحصیلات، به ایران آمد و مدتی در حوزه‌های علمیه این کشور تحصیل کرد. سپس به باکو بازگشت و در آنجا فعالیت‌های علمی، تبلیغی و اجتماعی خود را آغاز کرد.

شهید میر محمد کریم در ایجاد مدرسه دخترانه در باکو نقش مهمی داشت و با تفکر خرافی برخی از روحانیون جاهل مقابله کرد. او با استناد به آموزه‌های اسلامی، تحصیل دختران را تشویق کرد و حتی دختر خود را در این مدرسه ثبت‌نام نمود.

وی در سال ۱۹۰۶ میلادی، انجمن خیریه «هدایت» را تأسیس کرد که نقش میانجی میان دولت و مردم را ایفا می‌کرد و در گسترش آموزش و کاهش جهل بسیار مؤثر بود. شهید میر محمد کریم، به‌عنوان امام جماعت مسجد شاه‌عباس و قاضی شهر باکو منصوب شد و در سمت ریاست مجلس شیعیان استان باکو نیز فعالیت داشت. او، علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی، آثاری ارزشمند در حوزه تفسیر قرآن، تاریخ اسلام و ادبیات به‌جا گذاشت. از جمله مهم‌ترین آثار او، علاوه بر تفسیر کشف الحقایق، می‌توان به کتاب‌های «هفده رمضان»، «سوزش کربلا» و «جنگ‌های صلیبی» اشاره کرد.

تفسیر کشف الحقایق در سه جلد تألیف شده و در سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۶ میلادی، با حمایت مالی حاج زین‌العابدین تقی‌اف، در مطبع بخاریه به چاپ رسید. این تفسیر، نخستین تفسیری است که به زبان ترکی آذری نوشته شده و بعدها به زبان‌های فارسی و ترکی استانبولی نیز ترجمه شد. مؤلف در مقدمه اثر بیان می‌کند که به دلیل عدم آشنایی بسیاری از مردم با زبان عربی، لازم دانست تفسیری به زبان ترکی آذری بنویسد تا دسترسی به معارف قرآنی برای مردم منطقه آسان‌تر شود. او این کار را خدمتی کوچک به اسلام و قرآن می‌دانست.

شهید میر محمدکریم، در نگارش این تفسیر از منابع معتبری همچون: تفسیر کشاف (زمخشری)، تفسیر کبیر (فخرالدین رازی)، مجمع البیان (طبرسی) و همچنین از کتب اربعه شیعه و، در برخی موارد، از صحیح بخاری استفاده کرده است.

۲. مبانی تفسیری تفسیر کشف الحقایق

مبانی، جمع «مبنا» است که در لغت، معانی چندی از جمله بنیاد، اساس، شالوده و پایه برای آن ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ ش: ۱۲/۱۷۷۵۹). مبانی تفسیر، از مصطلحات رایج دوره معاصر است که عمدتاً در تفسیر پژوهی محققان فارسی‌زبان شهرت یافته است. در حوزه تفسیر، نخستین بار استاد عمید زنجانی این اصطلاح را در نام کتاب خود (مبانی و روش‌های تفسیر قرآن) به کار برد. امروزه، با توجه به معنای لغوی «مبانی»، تقریباً تعریفی یکسان از آن در میان پژوهشگران شهرت یافته و نسبت به اصل تعریف آن اتفاق نظر وجود دارد. به‌طور کلی، مبانی هر علم، باورهای بنیادینی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده، اصول موضوعه آن علم شناخته می‌شوند و مسائل آن علم بر آن‌ها استوار است (رجبی و دیگران، ۱۳۸۷ ش: ص ۳).
درباره شمار مبانی تفسیری نیز محققان، تعداد مختلفی را بیان کرده‌اند که برخی از آن مبانی مشترک و برخی متفاوت‌اند. بعضی از مشهورترین مبانی تفسیر بر محور این امور شکل می‌گیرند:

۱- وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن؛ ۲- مصونیت قرآن از تحریف لفظی؛ ۳- جاودانگی دعوت قرآن؛ ۴- همگانی بودن دعوت قرآن؛ ۵- جامعیت قرآن؛ ۶- امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن؛ ۷- حجیت ظواهر قرآن؛ ۸- روا بودن اجتهاد در تفسیر قرآن؛ ۹- برخوردار بودن قرآن از سطوح و لایه‌های متعدد معانی؛ ۱۰- حجیت و اعتبار قرائت‌های مختلف قرآن؛ ۱۱- تفسیرپذیری آیات متشابه قرآن؛ ۱۲- منسوخ بودن شماری از آیات قرآن؛ ۱۳- عدم اختلاف و تناقض درون و بیرون قرآن؛ ۱۴- توقیفی بودن نظم آیات و سوره‌ها؛ ۱۵- تناسب میان آیات و سوره‌های قرآن.

در این قسمت، دیدگاه شهید میرمحمدکریم بادکوبه‌ای در تفسیر کشف الحقایق درباره مبانی تفسیری و ادله وی درباره این مبانی بیان می‌شود.

۲-۱. مبانی وحیانی بودن قرآن

از مهم‌ترین مبانی تفسیر قرآن، الهی بودن این کتاب مقدس است. وقتی قرآن را مطالعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که قرآن، وحی الهی است که برای بشر فرستاده شده و خداوند متعال، الفاظ و عبارات آن را نازل کرده است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳) عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (۱۹۵) وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ (۱۹۶)؛ مسلماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است. (۱۹۲) روح الامین آن را نازل کرده است ... (۱۹۳) بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی. (۱۹۴) آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد). (۱۹۵) و [وصف] آن در کتاب‌های پیشینیان آمده است. (۱۹۶)» (شعراء، ۱۹۲-۱۹۶)

شهید میر محمد کریم بادکوبه‌ای دیدگاه خود را درباره مبنای وحیانی بودن قرآن، در شرح و توضیح این آیات بیان می‌کند و می‌گوید:

«ای محمد! این قرآن و همه احکام، موعظه‌ها و قصه‌های مذکور در آن، از سوی رب العالمین بر تو نازل گشته است.»

ایشان درباره زبان قرآن نیز می‌فرماید:

«هر پیامبر باید کتابی به زبان خود و قومش بیاورد. اگر کتابی به زبان دیگر بیاورد، هر چند خود او به زبان عالم هم باشد، مدعای وی باطل و کتاب او غیرمعتبر محسوب می‌شود.»

همچنین در تفسیر آیه ۱۹۶ می‌نویسد:

«این کتاب، کتاب ناشناسی نیست که از آن اعراض کنند. به درستی که معنای عمیق آن در کتاب‌های رسولان الهی پیشین موجود بود. تفاوت آن فقط در زبان آن است. زبان کتاب‌های آسمانی پیشین یا سریانی بود یا فارسی؛ اما زبان این کتاب عربی است. با این حال، مضمون همه کتاب‌ها توحید خداوند متعال و نهی از شرک است. اهل مکه نزد علمای یهودی شهر مدینه رفتند و ویژگی‌های حضرت محمد را سؤال کردند. علمای یهود، عبدالله بن سلام، بنیامین، ثعلبه، اسد و اسید، بر حق بودن پیامبر شهادت دادند» (بادکوبه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۵۸/۲).

از این توضیحات و شرح‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مبنای سید میر محمد کریم درباره الهی بودن الفاظ قرآن، همانند دیگر مفسران مسلمان است. ایشان نیز الهی بودن الفاظ و کلمات قرآن را می‌پذیرد.

۲-۲. عدم تحریف قرآن کریم

عدم تحریف قرآن کریم، یکی دیگر از مبانی تفسیر قرآن است. قرآن پژوهان درباره اثبات این مبنا، دلایل مختلف قرآنی ارائه کرده‌اند. ما این دلایل را در فصل‌های قبل، به تفصیل بیان کردیم. در اینجا فقط نظر مفسر محترم، شهید میر محمد کریم بادکوبه‌ای، را بیان می‌کنیم. ایشان در تفسیر آیات ذیل به این موضوع پرداخته است:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ؛ کسانی که به این قرآن، هنگامی که به آنان رسید، کفر ورزیدند [به کیفر خود می‌رسند] و به‌راستی که آن کتابی ارجمند است.» (فصلت، ۴۱)

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.» (حجر، ۹)

مفسر محترم، در تفسیر آیه اول می‌گوید:

«این آیه و آیات دیگر قرآن شریف، دلیل روشن و متقن بر عدم تحریف قرآن است. این قرآنی که در دست ماست، از آیه اول تا آخر، کلام خداوند متعال است. حرفی از آن کم نشده و نیز حرفی به آن اضافه نشده است. پیامبر و الامام، آن را با حالت فعلی جمع و ترتیب کرده است. آن را با همان حالت به ما سپرده و از دنیا رفته است. اعتقاد به کم و زیاد شدن قرآن، انکار قرآن و محو اسلام است. بنای اسلام به قرآن استوار است. اگر قرآن کم و زیاد شود، غیرمعتبر می‌شود. ولی گروهی در اسلام هستند که به تحریف قرآن اعتقاد دارند. شرم بر آنان که به تغییر قرآن ایمان آورده‌اند» (بادکوبه‌ای، ۱۳۹۰ ش: ۲۵۲/۳).

شهید میرمحمدکریم، در توضیح آیه دوم می‌نویسد:

«هیچ‌کس نمی‌تواند قرآن را تحریف کند. قرآن با همان حالتی که صاحب شریعت، پیامبر، آن را به میراث گذاشته، باقی مانده و حتی یک حرف آن را هم کسی نمی‌تواند تغییر دهد. اعتقاد به تحریف قرآن، اعتقادی باطل است» (بادکوبه‌ای، ۱۳۹۰ ش: ۱۶۲/۲).

۲-۳. جامعیت قرآن

یکی از مبانی مهم تفسیر قرآن، این است که این کتاب آسمانی، جامع تمام علوم و معارف است؛ چه علمی که بشر تاکنون به آن دست یافته و چه علمی که هنوز در دسترس بشر قرار نگرفته است. شهید میرمحمدکریم نیز بر این باور است که در قرآن، همه مسائل دینی و دنیوی به‌وضوح تبیین شده است و این مطلب را در تفسیر آیات ذیل توضیح می‌دهد:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ و قرآن را بر تو نازل کردیم که بیان‌کننده همه‌چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.» (نحل، ۸۹)

مفسر محترم، در تفسیر آیه فوق می‌گوید:

«امور دینی و دنیوی امت اسلام، با دو چیز به ثمر می‌رسد:

۱. احکام نازل شده در قرآن شریف؛

۲. کلمات لعل مانند پیامبر اسلام.

خداوند در قرآن به مسلمانان امر می‌کند: «آنچه را که پیامبر من به شما حکم کرد، بپذیرید و به آن عمل کنید.» از مضمون آیه معلوم می‌شود که امور دینی و دنیوی، همه در قرآن شریف تشریح شده است؛ زیرا خداوند متعال، پیامبر را موظف کرده است که به مردم با عقل خویش حکم کند. از این نتیجه می‌گیریم که احکام پیامبر، عین احکام خداوند متعال است» (بادکوبه‌ای، ۱۳۹۰ش: ۲/۲۰۰).

«مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَٰكِن تَصَدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ قرآن سخن دروغی نیست، بلکه تصدیق‌کننده کتاب‌های آسمانی پیش از خود و تفصیل‌دهنده همه‌چیز و مایه هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمان آورده‌اند.» (یوسف، ۱۱۱)

ایشان، در تفسیر عبارت «وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» می‌نویسد: «تفصیل همه اوامر دینی و دنیوی در قرآن موجود است» (بادکوبه‌ای، ۱۳۹۰ش: ۱۲۷/۲).

از این توضیحات مؤلف محترم، فهمیده می‌شود که ایشان نیز، مانند بسیاری از قرآن‌پژوهان و مفسران، مبنای جامعیت قرآن را می‌پذیرد.

۲-۴. قابل فهم بودن قرآن

شهید میر محمد کریم بادکوبه‌ای، «مبنای قابل فهم بودن قرآن برای همه انسان‌ها» را پذیرفته و در مقدمه تفسیر کشف الحقایق به این مسئله پرداخته است. دیدگاه ایشان این است که قرآن کریم، برای همه اقشار مردم قابل فهم است و مردم باید ترجمه و تفسیر قرآن را مطالعه کنند و مطالب ناب قرآن را در زندگی خود، امام و رهبر قرار دهند. وی همچنین می‌فرماید: با توجه به اینکه قرآن به زبان عربی است و همه ملت‌ها، به‌ویژه مردم آذری‌زبان، با زبان قرآن آشنایی ندارند، باید قرآن به زبان هر ملتی ترجمه و تفسیر شود تا آنان از نزدیک با معارف ناب قرآنی مأنوس گردند. ایشان این موضوع را انگیزه نگارش تفسیر کشف الحقایق قلمداد می‌کند (بادکوبه‌ای، ۱۳۹۰ش: ۱/۱۶-۱۸).

۲-۵. ساختار چندمعنایی قرآن

اعتقاد به ساختار چندمعنایی برای آیات قرآن، بر این اساس است که هر آیه، پس از گذر از معنای ظاهری، دارای معنای درونی و لایه‌های دیگری از معناست که از آن به «بطن» تعبیر می‌شود. راغب اصفهانی درباره معنای لغوی کلمه «بطن» می‌گوید: «بطن در برابر ظهر و به معنای امر مخفی و غامض است؛ همچنان که ظهر برای هر امر آشکاری گفته شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۱۳۰).

در اصطلاح مفسران شیعه، غالباً بطن همتای تأویل و در برابر معنای ظاهری آیات دانسته شده است. مفسر معاصر، آیت‌الله معرفت(ره)، در این مورد می‌فرماید:

«معنای بطن، در مقابل دلالت ظاهری و برونی قرآن، که از آن به «ظاهر قرآن» تعبیر می‌شود، قرار گرفته و این معنای باطنی برای تمامی آیات وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما فی القرآن آیه إلا و لها ظهر و بطن؛ در قرآن آیه‌ای نیست مگر آنکه ظهر و بطن دارد.» از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند: مقصود از ظهر و بطن چیست؟ فرمود: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله...» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۵).

ایشان در ادامه می‌افزاید:

«ظاهر قرآن همان دلالت ظاهری قرآن است که از قرائن، از جمله شأن نزول آیه، به دست می‌آید و جنبه خصوصی دارد؛ ولی بطن قرآن، دلالت باطنی آن است که با قطع نظر از قرائن موجود، برداشتهای کلی‌ای است که از متن قرآن به دست می‌آید و همه‌جانبه و جهان شمول است؛ لذا پیوسته، مانند جریان آفتاب و ماه، در جریان است» (معرفت، ۱۴۲۷ق: ۲۷۳-۲۷۵).

علامه طباطبایی(ره) نیز معتقد است:

«باطن، همان معنای نهفته در درون معنای ظاهری است؛ خواه یک معنا باشد یا بیشتر، نزدیک باشد یا دور» (طباطبایی، ۱۴۰۲ق: ۷۴/۳).

شهید میر محمدکریم بادکوبه‌ای نیز مبنای «ساختار چندمعنایی قرآن» را پذیرفته و در تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران می‌فرماید:

«در قرآن آیاتی وجود دارد که غیر از معنای ظاهری، معنای باطنی نیز دارند؛ مانند:

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (طه، ۵)؛

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (فجر، ۲۲)؛

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ (قیامت، ۲۲-۲۳).

معنای ظاهری این آیات، بر جسم بودن خداوند دلالت می‌کند؛ در حالی که شخص عالم، معنای باطنی آیات را درک می‌کند و می‌داند که خداوند جسم نیست» (بادکوبه‌ای، ۱۳۹۰ش: ۱۶۶/۱).

۳. نقد مبانی تفسیری

تفسیر کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقائق در اوایل قرن بیستم به نگارش درآمده است؛ در زمانی که در جمهوری آذربایجان هیچ اثری از ترجمه و تفسیر قرآن وجود نداشت. از این جهت، تفسیر مذکور از تفاسیر بی‌نظیر به‌شمار می‌آید؛ زیرا در آن زمان، این تفسیر به‌عنوان نعمتی بزرگ الهی برای تشنگان معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود و لذا با استقبال

گرمی روبه‌رو شد. با این وجود، این تفسیر خالی از اشکال نیست که در ادامه، به برخی از آن‌ها از نگاه نگارنده اشاره می‌شود.

۱-۳. مبناى وحیانی بودن قرآن

استدلال بر وحیانی بودن قرآن، صرفاً با ارجاع به آیات قرآن (مانند شعراء: ۱۹۲-۱۹۶) کافی نیست؛ زیرا این استدلال، درون‌متنی است و برای افرادی خارج از باورهای اسلامی، قانع‌کننده نخواهد بود؛ بلکه لازم است به شواهد تاریخی، مانند گردآوری قرآن و اجماع مسلمانان درباره الهی بودن آن نیز پرداخته شود.

همچنین دیدگاه شهید میر محمد کریم درباره زبان عربی قرآن و عدم اعتبار کتابی که به زبان قوم پیامبر نباشد، جای بحث دارد. قرآن، با وجود عربی بودن، ادعای جهانی بودن دارد. اگرچه زبان قوم پیامبر برای نخستین دریافت‌کنندگان مهم بوده است، اما آیا این امر به معنای عدم اعتبار برای دیگر زبان‌هاست؟ نویسنده باید به تناقض احتمالی میان جهانی بودن و زبان عربی قرآن توجه کند.

۲-۳. عدم تحریف قرآن

استناد به آیاتی مانند «إِنَّا نَحْنُ نُزَلَّلْنَا الذِّكْرَ...» (حجر: ۹) برای اثبات عدم تحریف قرآن، نیازمند بررسی تفاسیر مختلف این آیه است. برخی از محققان معتقدند این آیه به حفظ کلی پیام قرآن اشاره دارد، نه لزوماً به عدم تحریف لفظی؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این اختلافات باید دقیق‌تر بررسی و توضیح داده شود که چرا تأثیری بر اصالت قرآن نمی‌گذارد.

۳-۳. جامعیت قرآن

ادعای جامعیت مطلق قرآن، که شامل تمام علوم دینی و دنیوی باشد، نیازمند تحلیل دقیق‌تر است. مفهوم «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹) در تفاسیر مختلف، بیشتر به معنای هدایت‌گری جامع در امور دینی و اخلاقی دانسته شده است، نه لزوماً ارائه همه علوم تجربی؛ لذا شایسته بود که ایشان ابتدا این تفاوت را روشن کند.

همچنین برداشت شهید میر محمد کریم از جامعیت قرآن، با تمرکز بر احکام و فرمایشات پیامبر، نیازمند مقایسه با دیگر دیدگاه‌هاست. برخی از مفسران، مانند علامه طباطبایی، معتقدند قرآن بر کلیات تأکید دارد و جزئیات در دسترس عقل و تجربه بشری است.

نتیجه‌گیری

مفسران مسلمان، مبانی مختلفی برای قرآن کریم مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن؛ ۲- مصونیت قرآن از تحریف لفظی؛ ۳- جاودانگی دعوت قرآن؛ ۴- همگانی بودن دعوت قرآن؛ ۵- جامعیت قرآن؛ ۶- امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن؛ ۷- حجیت ظواهر قرآن؛ ۸- روا بودن اجتهاد در تفسیر قرآن؛ ۹- برخورداری قرآن از سطوح و لایه‌های متعدد معانی؛ ۱۰- حجیت و اعتبار قرائت‌های مختلف قرآن؛ ۱۱- تفسیرپذیری آیات متشابه قرآن؛ ۱۲- منسوخ بودن شماری از آیات قرآن؛ ۱۳- عدم اختلاف و تناقض درون و بیرون قرآن؛ ۱۴- توقیفی بودن نظم آیات و سوره‌ها؛ ۱۵- تناسب میان آیات و سوره‌های قرآن.

تفسیر کشف الحقایق شهید میرمحمدکریم بادکوبه‌ای، با تأکید بر مبانی محوری همچون وحیانی بودن قرآن، عدم تحریف، جامعیت، قابل فهم بودن و ساختار چندمعنایی آیات، الگویی منحصربه‌فرد در روش‌شناسی تفسیری ارائه می‌دهد. این مبانی، نه تنها ریشه در باورهای اسلامی دارند، بلکه با استناد به آیات قرآن، روشی کاربردی برای تفسیر آیات الهی پیشنهاد می‌کنند. بررسی این مبانی، درک عمیق‌تری از این اثر تفسیری و دیدگاه‌های نویسنده آن به ارمغان می‌آورد؛ هرچند از نگاه نگارنده، استدلال ایشان در برخی از مبانی تفسیری، نیازمند استحکام بیشتری است.

منابع

- بادکوبه‌ای، شهید میرمحمدکریم، کشف الحقایق، تصحیح علی محمدی، انتشارات فلان، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، دار القلم، دمشق، ۱۴۱۲ ق.
- رجبی، محمود و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۷ ش، چاپ سوم.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- صفار قمی، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۲ ق.
- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، مرکز نشر دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ ق.
- معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، مؤسسه التمهید، قم، ۱۴۲۷ ق، چاپ چهارم.
- Юнусов А. С. Ислам в Азербайджане. Б.: Заман. ۲۰۰۴.
- Tadeuș Svetoxovski. Азербайджан и Россия: общества и государства. Moskva: Летний сад. Отв. ред. и сост. Д. Е. Фурман. ۲۰۰۱.
- Rizvan Bayramov. "Утерянная реликвия. Архитектурный комплекс «Биби-Эйбат»"

